

شار ریچی-بورگوییگنون روی منیفلدهای سایا

قدرت‌اله فصیحی رامندی*، شاهرود اعظمی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم پایه، گروه ریاضی محض

دریافت ۹۷/۰۲/۲۱

پذیرش ۹۷/۰۶/۲۶

چکیده

در این مقاله ابتدا مفاهیم مقدماتی منیفلد سایا را یاد آوری می‌کنیم بعد شار ریچی-بورگوییگنون که تعمیمی از شار ریچی و شار یامابه است را روی منیفلدهای سایا معرفی می‌کنیم. سپس با استفاده از میدان برداری دیتورک معادله شار ریچی-بورگوییگنون روی منیفلدهای سایا را به معادله دیگری تحویل یافته می‌کنیم که خطی‌سازی این معادله دیفرانسیل با مشتقات جزئی اکیداً سهموی است و با قضایای معادلات دیفرانسیل سهموی با مشتقات جزئی نشان می‌دهیم که تحت شرایطی شار ریچی-بورگوییگنون روی منیفلدهای سایا با شرط آغازین دارای جواب است و این جواب یکتا است. هم‌چنین، در نهایت نشان می‌دهیم که هر جواب از شار ریچی-بورگوییگنون روی منیفلدهای سایا بسته (فشرده و بدون مرز) خود متشابه است و سالیتون متناظر با آن سالیتون مانا است.

واژه‌های کلیدی: شار هندسی، سالیتون، منیفلد سایا، خود-متشابه.

مقدمه

مفهوم ساختارهای سایا و هندسه آن به‌علت کاربرد وسیع در ریاضیات و فیزیک نظری مورد توجه پژوهش‌گران است و دامنه تحقیقات حول آن گسترده است [۱۰]. در فیزیک نظری، یک منیفلد سایا در واقع به‌عنوان فضای فاز یک سیستم ترمودینامیکی در نظر گرفته می‌شود و هم‌چنین کاربردهای این مفهوم در مکانیک، اپتیک و نظریه کنترل زیاد است. علاوه بر این، نظریه کلاسیکی معادلات دیفرانسیل با مشتقات جزئی مرتبه اول برای یک تابع اسکالر را می‌توان به‌عنوان بررسی زیرمنیفلدهای یک منیفلد سایا در نظر گرفت.

از طرفی دیگر شارهای هندسی در ریاضیات و فیزیک به‌عنوان یک ابزار قدرتمند مطرح هستند و معمولاً برای دست یافتن به ساختارهای هندسی حائز شرایط مطلوب‌تر استفاده می‌شوند. شار هندسی یک تکامل ساختار هندسی تحت یک معادله دیفرانسیل وابسته به تابعی روی یک منیفلد است که معمولاً وابسته به بعضی از انحنای منیفلد است. در واقع شارهای هندسی سیستم‌های دینامیکی روی فضاهای نامتناهی البعد مترهای منیفلد است.

شار ریچی در سال ۱۹۸۲ به‌وسیله هامیلتون معرفی شد [۹] و موجب حل مسائل مهمی در هندسه از جمله حدس مشهور پوانکاره شد. قدرت‌مند بودن این روش باعث شد تا شارهای هندسی مشابه آن تعریف و وجود و یکتایی جواب آنها بررسی شود. معروف‌ترین شارهای هندسی عبارتند از: شار گرمایی [۸]، شار انحنای میانگین [۶]، شار هارمونیک ریچی [۱۱]، شار هندسی هذلولوی [۷].

مفهوم شار ریچی روی منیفلدهای فینسلری و مفاهیم وابسته در این منیفلدها به‌وسیله پژوهش‌گران زیادی بررسی شده است (به‌عنوان مثال [۱] و [۲] ملاحظه شود).

فرض کنید M یک منیفلد n -بعدی با متر ریمانی g_0 باشد. یکی دیگر از شارهای هندسی، شار ریچی-بورگویگنون بدین صورت است:

$$\frac{\partial g}{\partial t} = -2Ric + 2\rho Rg, \quad g(0) = g_0$$

که در آن Ric تانسور ریچی از $g(t)$ ، R انحنای اسکالر و ρ عدد حقیقی ثابت است. این شار اولین بار به وسیله بورگویگنون (۱۹۸۱) معرفی شد [۴]. سپس کاتینو و همکارانش نشان دادند که این شار با شرط $\rho < \frac{1}{2(n-1)}$ در زمان کوتاه دارای جواب یکتا است [۵].

در این مقاله مفهوم شار ریچی-بورگویگنون روی منیفلدهای سایا را تعریف کرده و به بررسی وجود و یکتایی جواب آن می‌پردازیم. در [۱۲] بررسی وجود جواب و یکتایی شار ریچی روی منیفلدهای سایا بررسی شده است. شار هندسی که در این جا در نظر می‌گیریم حالت کلی‌تر است و در حالت خاص $\rho = 0$ ، نتایج ما منطبق با نتایج [۱۲] است. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که شار ریچی-بورگویگنون روی یک منیفلد سایا به ازای $\rho < \frac{1}{4}$ دارای جواب یکتا در مدت کوتاه است و این منیفلدها سالیتون ریچی است.

پیش‌نیازها

در این بخش مفاهیم هندسی مورد نیاز را بیان می‌کنیم. این مطالب استاندارد بوده و در منابع استاندارد یافت می‌شوند.

۱. ساختارهای هممتافته و هرمیتی

تعریف ۱. یک فضای برداری هممتافته، یک فضای برداری حقیقی و متناهی بعد V به همراه یک فرم دو خطی و ناتبهگون و متناوب Ω موسوم به فرم هممتافته است. در این صورت، زوج (V, Ω) را یک فضای برداری هممتافته گوئیم.

خاصیت ناتبهگونی فرم هممتافته ایجاب می‌کند که در یک فضای برداری هممتافته (V, Ω) فضای برداری V و دوگان آن V^* به طور طبیعی یکرخت باشند. در واقع، نگاشت $v \mapsto \Omega(v, \cdot)$ یک یکرختی طبیعی از V به V^* تعریف می‌کند.

گزاره ۲. اگر (V, Ω) یک فضای برداری هممتافته باشد، آن‌گاه یک پایه $\{\omega^i\}$ از V^* وجود دارد طوری که $\Omega = \sum \omega^i \wedge \omega^{n+i}$ و نسبت به پایه دوگان $\{\omega^i\}$ برای V ، ماتریس Ω بدین صورت است:

$$\Omega = \begin{pmatrix} 0 & I \\ -I & 0 \end{pmatrix}$$

که در آن I ماتریس همانی $n \times n$ است. به ویژه، بعد V عددی زوج $\dim(V) = 2n$ است. اثبات: به [۳] رجوع کنید.

با توجه به گزاره ۲، اگر (V, Ω) یک فضای برداری هممتافته و $2n$ -بعدی باشد آن‌گاه

$$\Omega^n = \Omega \wedge \cdots \wedge \Omega = (-1)^{\frac{n}{2}} n! \omega^1 \wedge \cdots \omega^{2n}.$$

تعریف ۳. در یک فضای برداری هممتافته (V, Ω) برای هر زیر فضای W از V تعریف می‌کنیم

$$W^\perp = \{v \in V \mid \forall u \in W : \Omega(v, u) = 0\}$$

زیر فضای W از V را زیر فضای لاگرانژی گوئیم هرگاه $W^\perp = W$.

تعریف ۴. یک نگاشت خطی T از فضای برداری هممتافته (V_1, Ω_1) به فضای برداری هممتافته (V_2, Ω_2) را یک

نگاشت هممتافته گوئیم هرگاه حافظ فرم هممتافته باشد $T^*(\Omega_2) = \Omega_1$ ، یعنی برای هر $u, v \in V$ داشته باشیم:

$$\Omega_2(T(u), T(v)) = \Omega_1(u, v).$$

اکنون می‌توانیم این مفاهیم را در سطح منیفلدها تعریف کنیم.

تعریف ۵. ۲-۶: یک منیفلد هممتافته، یک منیفلد M به همراه یک ۲-فرم ω روی M است طوری که برای هر

$p \in M$ ، زوج $(T_p M, \omega_p)$ یک فضای برداری هممتافته باشد و $d\omega = 0$. در این صورت، زوج (M, ω) را یک

منیفلد هممتافته و ω را فرم هممتافته گوئیم.

با توجه به مطالبی که بیان شد، واضح است که یک منیفلد هممتافته (M, ω) لزوماً جهت‌پذیر و از بعد زوج است.

گزاره ۶. ۲-۸ (قضیه داربو): در یک منیفلد هممتافته (M, ω) حول هر نقطه $p \in M$ یک دستگاه مختصات

$$\omega = \sum_{i=1}^n dx^i \wedge dy^i \text{ که } U \text{ حول } p \text{ وجود دارد طوری که } (x^1, \dots, x^n, y^1, \dots, y^n) \text{ روی یک همسایگی}$$

اثبات: به [۳] رجوع کنید.

تعریف ۷. ۲-۹: نگاشت هموار بین منیفلدهای هممتافته $f: (M, \omega_1) \rightarrow (N, \omega_2)$ را یک نگاشت هممتافته گوئیم

$$\text{هرگاه } f^*(\omega_2) = \omega_1.$$

تعریف ۸. ۲-۱۰: یک میدان برداری $X \in \mathcal{X}(M)$ در یک منیفلد هممتافته (M, ω) را یک میدان برداری موضعاً

$$\text{هامیلتونی گوئیم هرگاه } L_X \omega = 0.$$

هرگاه X یک میدان برداری موضعاً هامیلتونی باشد آن‌گاه شار آن $\{\phi_t\}$ یک خانواده از نگاشت‌های هممتافته است.

هم‌چنین، می‌توان ثابت کرد که یک میدان برداری X موضعاً هامیلتونی است اگر و تنها اگر یک فرمی

$$(X, \cdot) \text{ بسته باشد. } i_X \omega = \omega(X, \cdot)$$

تعریف ۹. ۲-۱۱: میدان برداری $X \in \mathcal{X}(M)$ در منیفلد هممتافته (M, ω) را یک میدان برداری هامیلتونی گوئیم

$$\text{هرگاه تابع } f \in C^\infty(M) \text{ وجود داشته باشد که } i_X \omega = df.$$

به سهولت بررسی می‌شود که کروه لی دو میدان برداری موضعاً هامیلتونی، یک میدان برداری هامیلتونی است.

در ادامه، نشان می‌دهیم در یک منیفلد هممتافته (M, ω) می‌توان یک ساختار کروه پواسون روی جبر توابع هموار

$$C^\infty(M) \text{ تعریف کرد.}$$

به ازای هر تابع هموار f ، df یک ۱-فرم است و میدان برداری یکتایی مانند X_f وجود دارد که $i_{X_f} \omega = df$. اکنون برای $f, g \in C^\infty(M)$ ، df تعریف می‌کنیم $\{f, g\} = \omega(X_f, X_g)$ با این عمل، $C^\infty(M)$ ساختار یک جبر لی دارد و نگاشت $f \mapsto X_f$ یک همریختی جبرهای لی بین $C^\infty(M)$ و $\mathcal{X}(M)$ است.

در ادامه این بخش، به مفاهیم و تعاریف متریکی در هندسه همثافت می‌پردازیم.

تعریف ۱۰-۱۲: یک ساختار تقریباً مختلط روی یک منیفلد هموار M ، یک میدان تانسوری از نوع $(1,1)$ است که

$$J^2 = -Id$$

گزاره ۱۱-۱۳: اگر (M, ω) یک منیفلد همثافت باشد، آن‌گاه یک متر ریمانی g و یک ساختار تقریباً مختلط J روی M وجود دارد طوری که برای هر $X, Y \in \mathcal{X}(M)$ ، $\omega(X, Y) = g(X, JY)$. اثبات: به [۳] رجوع کنید.

تعریف ۱۲-۱۴: یک متر ریمانی g روی یک منیفلد تقریباً مختلط (M, J) را هرمیتی گوئیم هرگاه حافظ ساختار تقریباً مختلط J باشد، یعنی برای هر $X, Y \in \mathcal{X}(M)$ داشته باشیم $g(JX, JY) = g(X, Y)$ در این صورت سه‌تایی (M, J, g) را یک ساختار تقریباً هرمیتی گویند.

وابسته به یک ساختار تقریباً هرمیتی (M, J, g) ، یک دو فرمی موسوم به ۲-فرم اساسی بدین صورت تعریف می‌شود.

در واقع، برای هر $X, Y \in \mathcal{X}(M)$

$$\Omega(X, Y) = g(X, JY)$$

تعریف ۱۳-۱۵: یک منیفلد تقریباً هرمیتی (M, J, g) را تقریباً کاهلری گویند هرگاه دو فرم اساسی متناظر با آن بسته باشد یعنی، $d\Omega = 0$ و آن را کاهلری گویند هرگاه علاوه بر این، $\nabla J = 0$ ، که در آن ∇ التصاق لوی-چویتای وابسته به g است.

بنابراین، بررسی هندسه ریمانی یک منیفلد همثافت (M, ω) را می‌توان با بررسی هندسه ریمانی یک ساختار تقریباً کاهلری انجام داد.

۲. منیفلدهای سایا

با توجه به مطالب بخش قبل دیدیم که یک منیفلد از بعد فرد نمی‌تواند ساختار همثافت بپذیرد. ساختار سایا روی یک منیفلد فرد بعدی M ساختاری، شبیه ساختارهای همثافت منیفلدهای زوج بعدی است. در زیر، این مفهوم را تعریف می‌کنیم.

تعریف ۱۴-۱۶: یک ساختار سایا روی یک منیفلد $(2n+1)$ -بعدی M ، یک توزیع انتگرال‌ناپذیر و ماکسیمال $H \subset TM$ است. در این صورت (M, H) را یک منیفلد سایا گوئیم.

فرض کنید که یک ۱-فرم α روی M وجود دارد طوری که $H = \ker(\alpha)$ ، در این صورت شرط انتگرال‌ناپذیری H معادل با این است که

$$\alpha \wedge (d\alpha)^n > 0$$

یعنی $\Omega = \alpha \wedge (d\alpha)^n$ یک عنصر حجم روی M است، بنابراین منیفلدهای سایا لزوماً جهت‌پذیر هستند. از این به بعد، ۱-فرم α با مشخصات بالا را فرم سایای وابسته به منیفلد سایا (M, H) گوئیم.

مثال ۱۵. ۲-۱۷: اگر مختصات روی $\mathbb{R}^{2n+1}$ به صورت $(x^1, y^1, \dots, x^n, y^n, z)$ باشد، آن گاه یک ساختار سایای استاندارد طبیعی به کمک فرم سایای $\alpha = dz - \sum_{i=1}^n y^i dx^i$ ایجاد می شود. اگر $H = \ker \alpha$ ، آن گاه $(\mathbb{R}^{2n+1}, H)$ یک منیفلد سایا است.

در ارتباط با فرم های سایا گزاره ۱۶. که نظیر قضیه موزر در منیفلدهای سایا است را داریم.
گزاره ۱۶. ۲-۱۸: فرض کنید $\alpha(t)$ که $t \in [0, 1]$ ، یک خانواده از فرم های سایا روی منیفلد بسته (فشرده و بدون مرز) M باشد و $\alpha(0) = \alpha$ ، در این صورت یک خانواده از دیفئومورفیسم های ψ_t وجود دارد که

$$\alpha(t) = \psi_t^* \alpha.$$

اثبات: به [۳] رجوع کنید.

هم چنین، فضای همه فرم های سایا روی یک منیفلد هموار M یک فضای آفین با فضای برداری هادی $A^1(M)$ فضای همه یک فرم های دیفرانسیلی روی M است. گزاره ۱۷. را داریم.
گزاره ۱۷. ۲-۱۹: فرض کنید α یک فرم سایا و η یک ۱-فرم روی M باشند. عدد حقیقی و مثبت T وجود دارد که $\alpha(t) = \alpha + t\eta$ برای هر $t \in [0, T]$ یک فرم سایا است.
اثبات: به [۱۲] رجوع کنید.

در منیفلدهای سایا، یک میدان برداری طبیعی (نسبت به ساختار سایا) می توان بدین صورت تعریف کرد:
تعریف ۱۸. ۲-۲۰: میدان برداری ریب یا میدان برداری مشخصه ξ برای یک فرم سایای α با این معادلات تعریف می شود:

$$\alpha(\xi) = 1, \quad d\alpha(\xi, \cdot) = 0.$$

به کمک میدان برداری مشخصه ξ می توان یک تجزیه طبیعی از کلاف مماس بدین صورت ایجاد کرد:
 $TM = L_\xi \oplus H$ که در آن L_ξ زیر فضای عمودی تولید شده توسط ξ است. مشابه، ساختار تقریباً مختلط در منیفلدهای کاهلری، وابسته به هر فرم سایای α ، یک میدان تانسوری نوع $(1,1)$ مانند ϕ وجود دارد که
 $L_\xi = \ker(\phi), \quad H = \text{Im}(\phi)$
هرگاه میدان تانسوری ϕ در این شرط صدق کند:

$$\phi^2 = -I + \alpha \otimes \xi$$

که در آن I تابع همانی است، آن گاه آن را یک ساختار تقریباً سایا می نامیم. چهارتایی (M, α, ξ, ϕ) را یک ساختار تقریباً سایا می نامند. زیرا $\phi(\xi) = 0$ ، بنابراین تجزیه کلاف مماس را می توان به صورت (1) بازنویسی کرد.

$$TM = \ker(\phi) \oplus \text{Im}(\phi) \quad (1)$$

به کمک تعریف میدان برداری مشخصه و اتحاد کارتان، واضح است که مشتق لی α در امتداد میدان برداری ξ برابر صفر است $L_\xi \alpha = 0$. بنابراین، می توان گفت که فرم سایای α تحت فلوئی میدان برداری مشخصه ξ پایا است و این تعریف های کلی را داریم:

تعریف ۱۹. ۲۱-۲: تابع هموار $f: M \rightarrow N$ بین منیفلدهای سایای M و N به ترتیب با فرم‌های سایای α_M و α_N را سایا گوییم هرگاه حافظ فرم سایا باشد یعنی، $f^*(\alpha_N) = \alpha_M$.

تعریف ۲۰. ۲۲-۲: میدان برداری X روی منیفلد سایای M با فرم سایای α را موضعا سایا گوییم هرگاه $L_X \alpha = 0$ و آن را سایا گوییم هرگاه تابع هموار $f \in C^\infty(M)$ وجود داشته باشد طوری که $L_X \alpha = f \alpha$.
به کمک اتحاد $L_{[X,Y]} = L_X \circ L_Y - L_Y \circ L_X$ می‌توان بررسی کرد که گروه لی دو میدان برداری سایا مجدداً میدان برداری سایا است و بنابراین، مجموعه همه میدان‌های برداری سایا که آن را با $\mathcal{X}^c M$ نشان می‌دهیم، یک زیرجبر لی از جبر لی میدان‌های برداری $\mathcal{X}(M)$ است. در ادامه، نگاشت دو سوئی که از $\mathcal{X}^c M$ به $C^\infty(M)$ وجود دارد را معرفی می‌کنیم. بنابراین، با انتقال عمل گروه لی می‌توان یک عمل گروه پواسون روی جبر توابع هموار $C^\infty(M)$ ایجاد کرد. تعریف کنید

$$\rho_1: \mathcal{X}^c M \rightarrow C^\infty(M), \quad X \mapsto \alpha(X)$$

$$\rho_2: C^\infty(M) \rightarrow \mathcal{X}^c M, \quad f \mapsto X_f$$

که در آن X_f میدان برداری سایایی است که بدین صورت تعریف می‌شود:

$$\alpha(X_f) = f, \quad d\alpha(X_f, \cdot) = df(\xi)\alpha - df$$

همچنین به سادگی می‌توان دید که

$$L_{X_f} \alpha = df(\xi)\alpha$$

اکنون برای توابع هموار $f, g \in C^\infty(M)$ عمل گروه پواسون بدین صورت تعریف می‌شود:

$$\{f, g\} = [X_f, X_g]$$

۲-۱. هندسهٔ ریمانی منیفلدهای سایا

در بررسی هندسه ریمانی منیفلدهای سایا به سبب داشتن ساختارهای اضافه، منطقی است با مترهای ریمانی کار کنیم که در شرایط سازگاری خاصی صدق کنند.

تعریف ۲۱. ۲۳-۲: یک متر ریمانی g روی منیفلد تقریباً سایای (M, α, ξ, ϕ) را سازگار گوییم هرگاه برای هر $X, Y \in \mathcal{X}(M)$

$$g(X, Y) = g(\phi(X), \phi(Y)) + \alpha(X)\alpha(Y)$$

در این صورت $(M, \alpha, \xi, \phi, g)$ را یک ساختار تقریباً سایای متریک گوییم. همچنین، یک ساختار تقریباً سایای متریک را:

$$\text{الف) ساساکی گوییم هرگاه برای هر } X, Y \in \mathcal{X}(M)$$

$$(\nabla_X \phi)Y = g(X, Y)\xi - \alpha(Y)X$$

$$\text{ب) منیفلد K-سایا گوییم هرگاه } \nabla \xi = -\phi$$

$$\text{پ) } \alpha\text{-اینشتینی گوییم هرگاه } Ric(X, Y) = ag(X, Y) + b\alpha(X)\alpha(Y)$$

که در آن a و b توابع هموار روی M و ∇ التصاق لوی-چویتای وابسته به g است.

شایان گفتن است که نسبت به یک متر سازگار g تجزیه (1)، یک تجزیه متعامد است. نشان داده شده است که هر منیفلد ساساکی، یک منیفلد K -سایا است ولی عکس آن فقط در بعد $\dim(M) = 3$ صحیح است. نکات زیر در ارتباط با ساختارهای تقریباً سایای متریک در ادامه کار نیاز است و در این جا بیان می‌شوند.

اگر $(M, \alpha, \xi, \phi, g)$ یک ساختار تقریباً سایای متریک باشد آن‌گاه برای هر اسکالر مثبت a یک ساختار تقریباً سایای متریک با مشخصات

$$\bar{\alpha} = a\alpha, \quad \bar{\phi} = \phi, \quad \bar{\xi} = \frac{1}{a}\xi, \quad \bar{g} = ag + a(a-1)\alpha \otimes \alpha$$

ایجاد می‌شود که به تغییر D -هموتوتیک ساختار $(M, \alpha, \xi, \phi, g)$ مشهور است. گزارهٔ مهم ۲۲ را نیز داریم.

گزارهٔ ۲۲. ۲۴-۲: فرض کنید α یک فرم سایا و ψ یک تبدیل روی M باشند. آن‌گاه $\psi^* \alpha$ یک فرم سایا است و مولفه‌های آن بدین صورت است:

$$\bar{g} = \psi^* g, \quad \bar{\phi} = (\psi^{-1})^* \phi \psi^*, \quad \bar{\xi} = (\psi^{-1})^* \xi.$$

در ادامه این بخش، به بحث وجود چنین ساختارهایی می‌پردازیم. درواقع، یک فرایند برای ساختن ساختارهای تقریباً سایای متریک را شرح می‌دهیم.

فرض کنید M یک منیفلد $(2n+1)$ بعدی باشد و یک متر ریمانی h را روی آن ثابت کنید. اگر α یک فرم سایا روی M باشد، آن‌گاه $d\alpha$ یک فرم هم‌تافته روی کلاف برداری H است. اندومورفیسم $A \in \text{Aut}(H)$ را بدین‌صورت تعریف می‌کنیم: برای هر $X, Y \in \Gamma H$ ، $d\alpha(X, Y) = h(X, AY)$ ، چون $d\alpha$ متناوب است، بنابراین $h(X, AY) = -h(AX, Y)$. فرض کنید A^* الحاقی A نسبت به h باشد، در این صورت AA^* در هر نقطه متقارن و مثبت معین است، بنابراین قطری‌پذیر با مقادیر ویژه $\{\lambda_i\}$ اکیداً مثبت است. فرض کنید $\sqrt{AA^*}$ ریشه دوم AA^* باشد که درواقع، ماتریسی قطری با درایه‌های $\sqrt{\lambda_i}$ روی قطر اصلی است. اندومورفیسم A با $\sqrt{AA^*}$ جابه‌جا می‌شود. قرار دهید

$$J = (\sqrt{AA^*})^{-1}A, \quad \text{در این صورت، } J \text{ با } A \text{ و } \sqrt{AA^*} \text{ جابه‌جا می‌شود که نتیجه می‌دهد:}$$

$$J^* = A^*(\sqrt{AA^*})^{-1} = -A(\sqrt{AA^*})^{-1} = -J$$

و

$$J^2 = -JJ^* = -(\sqrt{AA^*})^{-1}A^*A(\sqrt{AA^*})^{-1} = -Id.$$

برای هر $X, Y \in \Gamma H$ ، قرار دهید $m(X, Y) = h(X, \sqrt{AA^*}Y)$. به سادگی بررسی می‌شود که m یک متر روی کلاف برداری H است و $d\alpha(X, Y) = m(X, JY)$. بنابراین به‌کمک قطبی‌سازی یک متر ریمانی یکتا (نسبت به h)

m روی توزیع H و یک میدان تانسوری یکتا (نسبت به h) J از نوع $(1,1)$ وجود دارد که برای هر $X, Y \in \Gamma H$ داریم

$$J^2(X) = -X, \quad m(X, JY) = d\alpha(X, Y).$$

فرض کنید ξ میدان برداری مشخصه وابسته به صورت سایای α باشد، m را به یک متر ریمانی g روی M با تعریف $g(X, \xi) = \alpha(X)$ تعمیم می‌دهیم. همچنین، $\$J\$$ را به اندومورفیسم ϕ با تعریف $\phi(\xi) = 0$ تمديد می‌کنیم، بنابراین داریم

$$\phi^2 = -I + \alpha \otimes \xi, \quad g = -g^T + \alpha \otimes \alpha$$

که در آن g^T بدین صورت تعریف می‌شود:

$$g^T(X, Y) = d\alpha(X, \phi Y).$$

شار ریچی-بورگوییگنون و بررسی وجود جواب آن

در این بخش شار ریچی-بورگوییگنون روی منیفلدهای سایا را تعریف کرده و به بررسی وجود و یکتایی جواب‌های کوتاه مدت برای آن می‌پردازیم. در تعریف این شار هندسی، از شار ریچی-بورگوییگنون در منیفلدهای ریمانی ایده گرفته‌ایم.

فرض کنید (M, α) یک منیفلد سایا n -بعدی (n عددی فرد است) باشد و همچنین فرض کنید $(M, \alpha(t))$ یک خانواده هموار و ۱-پارامتری از ساختارهای تقریباً سایای متریک روی M باشد. معادله (۲) را شار ریچی-بورگوییگنون روی M گوئیم

$$\begin{cases} \frac{\partial \alpha}{\partial t} = -2i_{\xi}(Ric - \rho Rg) \\ \alpha(0) = \alpha \end{cases} \quad (2)$$

که در آن $\xi = \xi(t)$ میدان برداری مشخصه وابسته به $\alpha = \alpha(t)$ ، ρ یک اسکالر حقیقی، Ric تانسور انحنای ریچی و R انحنای اسکالر وابسته به متر $g = g(t)$ است.

به‌ازای یک ۱-فرم η روی M و برای مقادیر به اندازه کافی کوچک t ، می‌دانیم $\alpha(t) = \alpha + t\eta$ ، یک فرم سایا است. فرض کنیم $(\xi(t), \phi(t), g(t))$ سایر مولفه‌های سایای مرتبط با آن باشد. برای خطی‌سازی معادله (۲) لازم است که مشتقات $\xi(t)$ ، $g(t)$ ، $Ric_{g(t)}$ و $R_{g(t)}$ را در $t = 0$ محاسبه کنیم.

گزاره ۲.۳. ۱-۳: فرض کنید $\alpha(t) = \alpha + t\eta$ و $\xi(t)$ میدان برداری مشخصه وابسته به $\alpha(t)$ باشد، در این صورت

$$\xi'(0) = \frac{d}{dt} \Big|_{t=0} \xi(t) = -\eta(\xi)\xi - \phi((i_{\xi} d\eta)^{\sharp}).$$

اثبات: به [۱۲] رجوع شود.

برای محاسبه مشتق $g(t)$ در $t = 0$ ، با توجه به این‌که فرم‌های سایا به‌وسیله دیفئومورفیسم‌هایی به هم مرتبط هستند بنابراین بدون کاسته شدن از کلیت می‌توان فرض کرد که

$$g(t) = g(t)^T + \alpha(t) \otimes \alpha(t) = f(t)g^T + \alpha(t) \otimes \alpha(t)$$

بنابراین

$$g'(0) = \frac{d}{dt} \Big|_{t=0} g(t) = \alpha \otimes \eta + \eta \otimes \alpha + f'(0)g^T. \quad (5)$$

می‌دانیم خطی شده تانسور انحنای ریچی در امتداد h با این رابطه داده می‌شود:

$$(Ric_{ij})'(0) = \frac{1}{2} \left(-\Delta h_{ik} - \nabla_i \nabla_k tr(h) + \nabla_i \nabla^t h_{tk} + \nabla_k \nabla^t h_{it} \right) + (lower\ order\ terms)$$

که با توجه به (۵)، h همان $\alpha \otimes \eta + \eta \otimes \alpha$ است و از قرارداد جمع‌بندی اینشتین نیز در بالا استفاده کرده‌ایم. هم‌چنین، می‌دانیم خطی شده انحنای اسکالر در امتداد h با این رابطه داده می‌شود:

$$R'(0) = -\Delta(trh) + \nabla^s \nabla^t h_{st} + (lower\ order\ terms)$$

که در آن h همان $\alpha \otimes \eta + \eta \otimes \alpha$ است.

بنابراین، $DE_\alpha(\eta)$ خطی‌سازی اپراتور $E = -2i_\xi(Ric - \rho Rg)$ در α در امتداد η بدین صورت است:

$$DE_\alpha(\eta) = -2i_{\xi_0} \left(Ric'(0) - \rho R'(0)g_0 \right) + 2i_{\xi_0} \rho R_{g_0} h - 2i_{\xi'(0)} (Ric_{g_0} - \rho R_{g_0} g_0)$$

پس برای هر ۱-فرم η داریم

$$DE_\alpha(\eta)_i = \left[\Delta h_{ik} + \nabla_i \nabla_k tr(h) - \nabla_i \nabla^t h_{tk} - \nabla_k \nabla^t h_{it} - 2\rho(\Delta(trh) - \nabla^s \nabla^t h_{st})(g_0)_{ik} \right] \xi_0^k + (lower\ order\ terms)$$

اکنون علامت اصلی این اپراتور خطی شده را در جهت یک بردار کتانژانت a به‌دست می‌آوریم.

$$\sigma_a(DE_\alpha)(\eta)_i = \left[a^t a_t h_{ik} + a_i a_k tr_{g_0}(h) - a_i a^t h_{kt} - a_k a^t h_{it} - 2\rho a^t a_t tr_{g_0}(h)(g_0)_{ik} + 2\rho a^t a^s h_{ts}(g_0)_{ik} \right] \xi_0^k$$

طبق معمول، چون علامت یک تابع همگن است می‌توان فرض کرد که $|a|_{g_0} = 1$ و می‌توانیم محاسبات را در یک پایه متعامد یکه‌ای $\{e_i\}_{i=1, \dots, n}$ از $T_p M$ انجام دهیم که $a = g_0(e_1, \cdot)$ ، یعنی برای هر $i \neq 1$ ، $a_i = 0$. بنابراین، به‌دست می‌آوریم

$$\sigma_a(DE_\alpha)(\eta)_i = \left[h_{ik} + \delta_{i1} \delta_{k1} tr_{g_0}(h) - \delta_{i1} h_{k1} - \delta_{k1} h_{i1} - 2\rho tr_{g_0}(h) \delta_{ik} + 2\rho h_{11} \delta_{ik} \right] \xi_0^k$$

نمایش ماتریسی این تابع علامت را در دستگاه مختصات $(\eta_1, \eta_2, \dots, \eta_n)$ برای هر ۱-فرم η به‌دست می‌آوریم. ابتدا دقت می‌کنیم که شرط $\alpha(\xi_0) = 1$ معادل با این است که $\alpha_k \xi_0^k = 1$. هم‌چنین، $g(\xi_0, X) = \alpha(X)$ به معنی این است که $\xi_0^k = \alpha_k$. دو حالت در نظر می‌گیریم.

حالت اول: $i = 1$ ، در این صورت

$$\begin{aligned} \sigma_a(DE_\alpha)(\eta)_i &= \left[h_{ik} + \delta_{k1} tr_{g_0}(h) - h_{k1} - \delta_{k1} h_{11} - 2\rho tr_{g_0}(h) \delta_{1k} + 2\rho h_{11} \delta_{1k} \right] \xi_0^k \\ &= (tr_{g_0}(h) - h_{11}) \xi_0^1 - 2\rho (tr_{g_0}(h) - h_{11}) \xi_0^1 = (tr_{g_0}(h) - h_{11})(1 - 2\rho) \alpha_1 \\ &= (1 - 2\rho) \alpha_1 \sum_{k=2}^n h_{kk} = 2(1 - 2\rho) \alpha_1 \sum_{k=2}^n \alpha_k \eta_k \end{aligned}$$

پس مؤلفه‌های $\sigma_a(DE_\alpha)(\eta)_1$ در دستگاه مختصات گفته شده بدین صورت است:

$$(0, 2(1-2\rho)\alpha_1\alpha_2, \dots, 2(1-2\rho)\alpha_1\alpha_n)$$

حالت دوم: $i \neq 1$ ، در این صورت

$$\begin{aligned}\sigma_a(DE_\alpha)(\eta)_i &= [h_{ik} - \delta_{k1}h_{i1} - 2\rho \text{tr}_{g_0}(h)\delta_{ik} + 2\rho h_{11}\delta_{ik}] \xi_0^k \\ &= h_{ik}\xi_0^k - h_{i1}\xi_0^1 - 2\rho \text{tr}_{g_0}(h)\xi_0^i + 2\rho h_{11}\xi_0^i = \left(\sum_{k=2}^n h_{ik}\alpha_k\right) - 2\rho\alpha_i \sum_{k=2}^n h_{kk} \\ &= \left(\sum_{k=2}^n [\alpha_i\eta_k + \alpha_k\eta_i]\alpha_k\right) - 4\rho\alpha_i \sum_{k=2}^n \alpha_k\eta_k = \sum_{k=2}^n (1-4\rho)\alpha_i\alpha_k\eta_k + \sum_{k=2}^n \alpha_k^2\eta_i \\ &= \sum_{k=2}^n (1-4\rho)\alpha_i\alpha_k\eta_k + (1-\alpha_1^2)\eta_i.\end{aligned}$$

بنابراین

$$\sigma_a(DE_\alpha) = \begin{pmatrix} 0 & 2(1-2\rho)\alpha_1\alpha_2 & \cdots & 2(1-2\rho)\alpha_1\alpha_n \\ 0 & & & \\ \vdots & & A[n-1] & \\ 0 & & & \end{pmatrix}$$

که در آن $A[n-1]$ یک ماتریس $(n-1) \times (n-1)$ است که بدین صورت داده می‌شود:

$$A[n-1] = \begin{pmatrix} (1-4\rho)\alpha_2^2 + (1-\alpha_1^2) & (1-4\rho)\alpha_2\alpha_3 & \cdots & (1-4\rho)\alpha_2\alpha_n \\ (1-4\rho)\alpha_3\alpha_2 & (1-4\rho)\alpha_3^2 + (1-\alpha_1^2) & \cdots & (1-4\rho)\alpha_3\alpha_n \\ \vdots & & \ddots & \\ (1-4\rho)\alpha_n\alpha_2 & (1-4\rho)\alpha_n\alpha_3 & \cdots & (1-4\rho)\alpha_n^2 + (1-\alpha_1^2) \end{pmatrix}$$

می‌توان دید که ماتریس $\sigma_a(DE_\alpha)$ دارای یک مقدار ویژه صفر است و $n-1$ مقدار ویژه دیگر آن، همان مقادیر ویژه ماتریس $A[n-1]$ است که به کمک لم ۲۴ محاسبه می‌شوند.

لم ۲۴. ۲-۳: چندجمله‌ای مشخصه $A[n-1]$ بدین صورت است:

$$f(\lambda) = (\lambda + \alpha_1^2 - 1)^{n-2} [\lambda + (\alpha_1^2 - 1)(2 - 4\rho)].$$

پس ماتریس $\sigma_a(DE_\alpha)$ دارای مقدار ویژه ۰ از تکرار ۱، مقدار ویژه $1 - \alpha_1^2$ از تکرار $(n-2)$ و مقدار ویژه $(1 - \alpha_1^2)(2 - 4\rho)$ از تکرار ۱ است.

بنابر مطالب بالا، نتیجه می‌گیریم که معادله (۲) اکیداً سهموی نیست. در ادامه کار، یک شار جدید به کمک میدان برداری دیتورک تعریف می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این شار اکیداً سهموی است و از طریق جواب این شار جدید، جوابی برای شار (۲) به دست می‌آوریم.

میدان برداری دیتورک را بدین صورت تعریف می‌کنیم:

$$V^k = g^{pq} (\Gamma_{pq}^k - \bar{\Gamma}_{pq}^k)$$

که در آن $\bar{\Gamma}_{pq}^k$ علایم کریستوفل وابسته به متر g_0 ، $g = g(t)$ متر وابسته به ساختار سایای $\alpha(t)$ و Γ_{pq}^k علایم کریستوفل وابسته به g هستند. چون تفاضل دو التصاق یک تانسور است بنابراین، این تعریف یک میدان برداری سرتاسری V را مشخص می‌کند. فرض کنید $\mathcal{A}$ مجموعه همه فرم‌های سایا روی منیفلد M باشد. اکنون اپراتور $\mathcal{L}$ را بدین صورت تعریف می‌کنیم:

$$\mathcal{L}: \mathcal{A} \rightarrow A^1(M), \quad \mathcal{L}(\alpha(t)) = i_{\xi}(L_V g)$$

که در آن $L_V g$ مشتق لی متر $g = g(t)$ وابسته به $\alpha(t)$ در امتداد میدان برداری دیتورک V است. به سادگی، بررسی می‌شود که

$$\mathcal{L} = L_V \alpha(t) + i_{[\xi, V]} g(t).$$

که در آن $\xi = \xi(t)$ است. $DP_{g_0}(h)_{ik}$ خطی شده $P(g) = L_V g$ در g_0 و در امتداد h بدین صورت است:

$$DP_{g_0}(h)_{ik} = \nabla_i \nabla^t h_{tk} + \nabla_k \nabla^t h_{it} - \nabla_i \nabla_k \text{tr}_{g_0}(h)$$

بنابراین $D\mathcal{L}_{\alpha}(\eta)$ خطی شده $\mathcal{L}$ در امتداد η بدین صورت است:

$$D\mathcal{L}_{\alpha}(\eta)_i = \left(-\nabla_i \nabla_k \text{tr}_{g_0}(h) + \nabla_i \nabla^t h_{tk} + \nabla_k \nabla^t h_{it} \right) \xi_0^k + (\text{lower order terms})$$

که مانند قبل h همان $\alpha \otimes \eta + \eta \otimes \alpha$ است. علامت اصلی این اپراتور با نمادگذاری‌های قبل بدین صورت است:

$$\sigma_a(D\mathcal{L}_{\alpha})(\eta)_i = \left(-\delta_{i1} \delta_{k1} \text{tr}_{g_0}(h) + \delta_{i1} h_{k1} + \delta_{k1} h_{i1} \right) \xi_0^k$$

حال شار تحویل یافته ریچی-بورگوییگنون (۶) را تعریف می‌کنیم

$$\begin{cases} \frac{\partial \alpha}{\partial t} = -2i_{\xi}(Ric - \rho Rg) + i_{\xi}(L_V g) \\ \alpha(0) = \alpha \end{cases} \quad (6)$$

مطالب بالا نشان می‌دهد که علامت اصلی اپراتور متناظر با شار (6) در امتداد بردار کتانژانت a و در یک پایه متعامد یک‌های $\{a^b, e_2, \dots, e_n\}$ بدین صورت است:

$$\sigma_a(DE + D\mathcal{L})_{\alpha}(\eta)_i = \left(h_{ik} - 2\rho \text{tr}_{g_0}(h) \delta_{ik} + 2\rho h_{11} \delta_{ik} \right) \xi_0^k$$

حال، نمایش ماتریسی این تابع علامت را در دستگاه مختصات $(\eta_1, \eta_2, \dots, \eta_n)$ برای هر ۱-فرم η به دست می‌آوریم.

فرض کنید $i=1$ ، در این صورت

$$\begin{aligned} \sigma_a(DE + D\mathcal{L})_{\alpha}(\eta)_i &= \left(h_{1k} - 2\rho \text{tr}_{g_0}(h) \delta_{1k} + 2\rho h_{11} \delta_{1k} \right) \xi_0^k \quad i \neq 1 \text{ هرگاه} \\ &= h_{ik} \xi_0^k - 2\rho (\text{tr}_{g_0}(h) - h_{11}) \xi_0^1 \\ &= \sum_{k=1}^n h_{1k} \alpha_k - 4\rho \alpha_1 \sum_{k=2}^n \alpha_k \eta_k \\ &= \sum_{k=1}^n [\alpha_1 \eta_k + \alpha_k \eta_1] \alpha_k - 4\rho \alpha_1 \sum_{k=2}^n \alpha_k \eta_k \\ &= (1 + \alpha_1^2) \eta_1 + (1 - 4\rho) \alpha_1 \sum_{k=2}^n \alpha_k \eta_k \end{aligned}$$

آن‌گاه،

$$\begin{aligned}
\sigma_a(DE + D\mathcal{L})_\alpha(\eta)_i &= (h_{ik} - 2\rho \operatorname{tr}_{g_0}(h)\delta_{ik} + 2\rho h_{11}\delta_{ik})\xi_0^k = h_{1k}\xi_0^k - 2\rho(\operatorname{tr}_{g_0}(h) - h_{11})\xi_0^i \\
&= \sum_{k=1}^n h_{ik}\alpha_k - 4\rho\alpha_1 \sum_{k=2}^n \alpha_k \eta_k = h_{i1}\alpha_1 + \sum_{k=2}^n h_{ik}\alpha_k - 4\rho\alpha_1 \sum_{k=2}^n \alpha_k \eta_k \\
&= \alpha_1^2 \eta_i + \alpha_1 \alpha_i \eta_1 + \sum_{k=2}^n (1-4\rho)\alpha_i \alpha_k \eta_k + (1-\alpha_1^2)\eta_i \\
&= \eta_i + \alpha_1 \alpha_i \eta_1 + \sum_{k=2}^n (1-4\rho)\alpha_i \alpha_k \eta_k
\end{aligned}$$

بنابراین

$$\sigma_a(DE + D\mathcal{L})_\alpha(\eta) = \begin{pmatrix} 1+\alpha_1^2 & (1-4\rho)\alpha_1\alpha_2 & \cdots & (1-4\rho)\alpha_1\alpha_n \\ \alpha_1\alpha_2 & & & \\ \vdots & & B[n-1] & \\ \alpha_1\alpha_n & & & \end{pmatrix}$$

که در آن $A[n-1]$ یک ماتریس $(n-1) \times (n-1)$ است که بدین صورت داده می‌شود:

$$B[n-1] = \begin{pmatrix} (1-4\rho)\alpha_2^2 + 1 & (1-4\rho)\alpha_2\alpha_3 & \cdots & (1-4\rho)\alpha_2\alpha_n \\ (1-4\rho)\alpha_3\alpha_2 & (1-4\rho)\alpha_3^2 + 1 & \cdots & (1-4\rho)\alpha_3\alpha_n \\ \vdots & & \ddots & \\ (1-4\rho)\alpha_n\alpha_2 & (1-4\rho)\alpha_n\alpha_3 & \cdots & (1-4\rho)\alpha_n^2 + 1 \end{pmatrix}$$

لم ۲۵.۳-۳: چندجمله‌ای ویژه ماتریس $\sigma_a(DE + D\mathcal{L})_\alpha(\eta)$ بدین صورت است:

$$f(\lambda) = (\lambda-1)^{n-1}[\lambda - (1-4\rho)(1-\alpha_1^2) - \alpha_1^2].$$

بنابراین ماتریس $\sigma_a(DE + D\mathcal{L})_\alpha(\eta)$ دارای مقدار ویژه ۱ از تکرار $n-1$ و مقدار ویژه

$$(1-4\rho)(1-\alpha_1^2) + \alpha_1^2 \text{ از تکرار ۱ است. پس به‌ازای هر } \rho < \frac{1}{4(1-\alpha_1^2)}, \text{ معادله (6) اکیداً سهموی است.}$$

فرض کنید $g(x) = \frac{1}{4(1-x)}$ و $x \in [0,1)$ ، شرط این‌که برای عدد حقیقی r به‌ازای هر $x \in [0,1)$ داشته باشیم

$$r < g(x) \text{ که این است که } r < \inf_{0 \leq x < 1} g(x), \text{ یعنی } r < \frac{1}{4}.$$

بنابراین، قضیه ۲۶ را داریم.

قضیه ۲۶.۳-۴: شار تحویل یافته (۶) برای هر عدد حقیقی $\rho < \frac{1}{4}$ اکیداً سهموی است.نتیجه ۲۷.۳-۵: شار تحویل یافته (۶) برای هر عدد حقیقی $\rho < \frac{1}{4}$ دارای جواب یکتا در زمان کوتاه است.

در ادامه نشان می‌دهیم که از یک جواب از شار تحویل یافته (۶) می‌توان به یک جواب از شار ریچی-بورگویگنون (۲) رسید. به این منظور ابتدا میدان‌های برداری وابسته به زمان زیر را تعریف می‌کنیم.

فرض کنید

$$X = -\#d\alpha([\xi, V], \cdot)$$

که در آن $\alpha = \alpha(t)$ ، $\xi = \xi(t)$ میدان برداری وابسته به $\alpha(t)$ است و V همان میدان برداری دیتورک است. همچنین، عمل موسیقیایی $\sharp$ وابسته به متر $g = g(t)$ انجام می‌شود. تابع هموار $(V)(\alpha(t)) = g$ یک تابع وابسته به زمان t است و بنابراین میدان برداری سایای Y_g نیز یک میدان برداری وابسته به t است و گزاره ۲۸ را داریم.

گزاره ۲۸. برای میدان‌های برداری وابسته به زمان X و Y_g داریم

$$L_X \alpha(t) + L_{Y_g} \alpha(t) = i_{[\xi, V]} g(t).$$

اثبات: به [۱۲] رجوع کنید.

قضیه ۲۹. فرض کنید $\rho < \frac{1}{4}$ و (M, α) یک منیفلد سایای فشرده باشد. آن‌گاه $\epsilon > 0$ وجود دارد طوری که شار ریچی-بورگوییگنون (2) در $M \times [0, \epsilon)$ یک جواب یکتا دارد.

اثبات: خانواده یک پارامتری از نگاشت‌های $\psi_t: M \rightarrow M$ را بدین صورت تعریف می‌کنیم:

$$\frac{\partial}{\partial t} \psi_t(x) = -V(\psi_t(x), t) - X(\psi_t(x)) - Y_g(\psi_t(x)), \quad \psi_0 = Id_M$$

نگاشت‌های ψ_t تا مادامی که جواب‌های $\alpha(t)$ از (6) وجود دارند، موجود بوده و دیفئومورفیسم هستند. فرض کنیم $\alpha(t)$ یک جواب شار تحویل یافته (6) در $[0, T)$ است. قرار می‌دهیم $\bar{\alpha}(t) = \psi_t^* \alpha(t)$ ، در این صورت $\bar{\alpha}(0) = \alpha$ زیرا $\psi_0 = Id_M$ و داریم

$$\begin{aligned} \frac{\partial}{\partial t} (\psi_t^* \alpha(t)) &= \frac{\partial}{\partial s} \Big|_{s=0} (\psi_{t+s}^* \alpha(t+s)) = \psi_t^* \left(\frac{\partial}{\partial t} \alpha(t) \right) + \frac{\partial}{\partial s} \Big|_{s=0} (\psi_{t+s}^* \alpha(t)) \\ &= \psi_t^* (-2i_\xi (Ric - \rho Rg) + i_\xi (L_V g)) - \psi_t^* (i_\xi (L_V g)) \\ &= -2i_{(\psi_t^{-1})_* \xi} (Ric(\psi_t^* g) - \rho R_{\psi_t^* g} \psi_t^* g) + \psi_t^* (i_\xi (L_V g)) - \psi_t^* (i_\xi (L_V g)) \\ &= -2i_{(\psi_t^{-1})_* \xi} (Ric(\psi_t^* g) - \rho R_{\psi_t^* g} \psi_t^* g) \end{aligned}$$

اثبات یکتایی جواب، دقیقاً شبیه اثبات یکتایی جواب شار ریچی روی منیفلدهای سایا است که در [۱۲] ثابت شده است. در واقع، یکتایی جواب شار تحویل یافته در یک بازه زمانی مناسب، نشان می‌دهد که شار ریچی-بورگوییگنون (۲)، به‌ازای $\rho < \frac{1}{4}$ دارای جواب یکتا در مدت کوتاه است.

سالیتون‌ها

در این بخش مفهوم سالیتون ریچی-بورگوییگنون روی منیفلدهای سایا را تعریف می‌کنیم و نتایجی در ارتباط با آن به‌دست می‌آوریم.

تعریف ۳۰-۴: یک منیفلد سایای $(M, \alpha, \xi, \phi, g)$ را سالیتون ریچی-بورگوییگنون گوئیم هرگاه یک ثابت γ و یک میدان برداری $X \in \mathcal{X}(M)$ وجود داشته باشد که

$$2i_\xi (Ric - \rho Rg) + L_X \alpha = \gamma \alpha$$

وابسته به علامت γ ، سالیتون ریچی-بورگوییگنون را انقباضی ($\gamma > 0$)، مانا ($\gamma = 0$) و یا انبساطی ($\gamma < 0$) گوئیم. هرگاه علاوه بر این، میدان برداری X ، گرادیان یک تابع هموار روی M باشد، آن‌گاه تعریف سالیتون ریچی-بورگوییگنون گرادیان حاصل می‌شود.

در زیر، مفهوم جواب‌های خود-متشابه را تعریف می‌کنیم. نشان می‌دهیم که سالیتون بودن یک منیفلد سایا با خود-متشابه بودن جواب‌های شار ریچی-بورگوییگنون روی آن معادل است.

تعریف ۳.۱-۴: فرض کنید $(M, \alpha(t))$ یک جواب از شار ریچی-بورگوییگنون (۲) در بازه $[0, T]$ باشد. گوئیم

$\alpha(t)$ یک جواب خود-متشابه است هرگاه اسکالرهای $\sigma(t)$ و دیفئومورفیسم‌های ψ_t وجود داشته باشد به‌طوری‌که

$$\alpha(t) = \sigma(t)\psi_t^*(\alpha).$$

اکنون می‌توان قضیه ۳۲ را بیان کرد.

قضیه ۳.۲-۴: فرض کنید $(M, \alpha(t))$ یک جواب از شار ریچی-بورگوییگنون (۲) باشد، در این صورت میدان

برداری $X \in \mathcal{X}(M)$ وجود دارد که (M, α, X) یک سالیتون ریچی-بورگوییگنون است. برعکس، برای هر سالیتون

ریچی بورگوییگنون (M, α, X) اسکالرهای $\sigma(t)$ و دیفئومورفیسم‌های ψ_t وجود دارند به‌طوری‌که

$$\alpha(t) = \sigma(t)\psi_t^*(\alpha)$$
 یک جواب از شار ریچی-بورگوییگنون است.

اثبات: فرض کنید $\alpha(t)$ یک جواب خود-متشابه از شار ریچی-بورگوییگنون (۲) باشد. بدون کاسته شدن از کلیت

حکم می‌توان فرض کرد $\sigma(0) = 1$ و $\psi_0 = Id$. فرض کنید $Y = Y(t)$ خانواده‌ای از میدان‌های برداری وابسته

به زمان باشد که توسط دیفئومورفیسم‌های ψ_t تولید می‌شود می‌توان نوشت:

$$-2i_{\xi_0}(Ric(g_0) - \rho Rg_0) = \frac{\partial \alpha}{\partial t} \Big|_{t=0} = \sigma'(0)\alpha + L_{Y(0)}\alpha$$

در نتیجه

$$2i_{\xi_0}(Ric(g_0) - \rho Rg_0) + L_{Y(0)}\alpha = \sigma'(0)\alpha$$

بنابراین، (M, α, X) یک سالیتون ریچی-بورگوییگنون است که در آن $X = Y(0)$.

برعکس، فرض کنید (M, α, X) یک سالیتون ریچی-بورگوییگنون باشد. قرار می‌دهیم $\sigma(t) = \sqrt{1-2\gamma t}$ و

$Y(t) = \frac{1}{\sigma^2(t)}X$ هرگاه، ψ_t دیفئومورفیسم‌های تولید شده به‌وسیله $Y(t)$ باشند آن‌گاه

$\alpha(t) = \sigma(t)\psi_t^*(\alpha)$ یک جواب از شار ریچی-بورگوییگنون (۲) است. در واقع، داریم

$$\begin{aligned} \frac{\partial \alpha}{\partial t} &= \frac{-\gamma}{\sigma(t)}\psi_t^*(\alpha) + \sigma(t)\psi_t^*(L_{Y_t}\alpha) \\ &= \frac{1}{\sigma(t)}\psi_t^*(-\gamma\alpha + L_X\alpha) \\ &= \frac{1}{\sigma(t)}\psi_t^*(-2i_{\xi_0}(Ric(g_0) - \rho Rg_0)) \\ &= -\frac{2}{\sigma(t)}i_{(\psi_t^{-1})_*\xi_0}\psi_t^*(Ric(g_0) - \rho Rg_0) \end{aligned}$$

بنابراین،

$$\frac{\partial \alpha}{\partial t} = -2i_{\xi(t)}[Ric(g(t)) - \rho Rg(t)].$$

نتیجه ۴-۴.۳۳: فرض کنید M یک منیفلد سایای فشرده (و بدون مرز) باشد، هر جواب از شار ریچی-بورگوییگنون (۲) خود-متشابه است و سالیتون متناظر با آن مانا است.

اثبات: با توجه به قضایای بالا و قضیه موزر در منیفلدهای سایا (گزاره ۱۶)، حکم به سادگی نتیجه می شود.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله یک شار هندسی که در واقع مشابه شار ریچی-بورگوییگنون در منیفلدهای ریمانی است را برای ساختارهای سایا معرفی کرده و به بررسی وجود و یکتایی جواب های زمان کوتاه آن پرداخته ایم. محاسبات نشان می دهد که در حالت $\rho < \frac{1}{4}$ جواب یکتا برای زمان کوتاه داریم. در ادامه کار به تعریف و بررسی سالیتون های این شار پرداختیم. در این مقاله، هدف اصلی بررسی وجود و یکتایی جواب های مدت کوتاه برای شار ریچی-بورگوییگنون بوده است. در ادامه این کار می توان، تحول ساختارهای هندسی روی منیفلدهای سایا تحت این شار را مطالعه و بررسی کرد.

منابع

1. Azami S., Razavi A., "Existence and uniqueness for solution of Ricci flow on Finsler manifolds", Int. J. of Geom. Meth. in Mod. Phy., Vol. 10, No. 3 (2013) 1-21.
2. Bidabad B., Sedaghat M. K., "Ricci flow on Finsler surfaces", to appear in Journal of Geometry and Physics, 129 (2018) 238-254.
3. Blair D. E., "Riemannian geometry of contact and symplectic manifolds", Birkhäuser, Boston (2010).
4. Bourguignon J. P., "Ricci curvature and Einstein metrics, Global differential geometry and global analysis", Lecture notes in Math., 838 (1981) 42-63.
5. Catino G., Cremaschi L., Djadli Z., Mantegazza C., Mazzieri L., "The Ricci-Bourguignon flow, Pacific J. Math. (2015).
6. Chen Y. G., Giga Y., Goto S., "Uniqueness and Existence of Viscosity Solutions of Generalized Mean Curvature Flow Equations", J. Diff. Geom. 33 (1991) 749-786.
7. Dai W. R., Kong D. X., Liu K., "Hyperbolic gometric flow (I): short-time existen and nonlinear stability K., Pure and applide mathematics quarterly, 6 (2010) 331-359.
8. Eells Jr J., Sampson J. H., "Harmonic mappings of Riemannian manifolds", American Journal of Mathematics, 86, No. 1, (1964) 109-160.
9. Hamilton R. S., "Three-manifolds with positive Ricci Curvature", J. Differential Geomety, 17, No. 2 (1982) 255-306.

10. Kholodenko A. L., "Applications of contact geometry and topology in physics", World scientific (2013).
11. Müller R., "Ricci flow coupled with harmonic map flow", Annales scientifiques de l'École Normale Supérieure, 45 (2012) 101-142.
12. Pirhadi V., Razavi A., "Ricci Flow on Contact Manifolds", Siberian Mathematical Journal, Vol 56, No. 5, (2015) 912-921.